

تاریخ و رجال





دانشمندان و کتاب‌های شیعه در مکه مکرمه

(در قرن یازدهم هجری قمری)

حسین واثقی

تاریخ تشیع و شیعیان در مکه و مدینه، از موضوعاتی است که پیشینیان از آن غفلت کرده و بدان نپرداخته‌اند و این شاید بدان سبب بوده که مصادر مستقل و سریع‌الوصولی در این زمینه وجود نداشته و پرداختن به آن، فرصت بسیار و پی‌جویی گسترده در لابلاهای کتاب‌های فراوان را طلب می‌کرده است، که چنین حال و مجالی کمتر یافت می‌شود.

روشن است که ما بخشی از امت اسلامیم و چون شیعه‌ایم، همواره مورد انکار و بی‌توجهی دیگر مسلمانان قرار گرفته و هدف مناسبی برای کج اندیشان و تنگ نظران بوده‌ایم؛ به‌طوری که هرچه توانسته‌اند، در حذف ما از جامعه اسلامی کوشیده‌اند و راه نجات اسلام را در طرد ما از جمع امت اسلامی شناسانده‌اند و هر قدر توانسته‌اند با تهمت و افترا در مورد شیعه سیاه‌نمایی کرده و چهره آنان را در میان مسلمانان، منفی و غیر مناسب نشان داده‌اند.

از این رو، پرداختن به موضوعاتی که مورد اهتمام همه مسلمانان است و تبیین اعتقاد و عمل شیعیان درباره آن‌ها، می‌تواند تبلیغات عوامل تفرقه و تضعیف اسلام را برملا کند.



بنابراین، پرداختن به موضوع پیش‌گفته، لازم و ضروری است، گرچه به دلیل نپرداختن پیشینیان به آن، پر زحمت و زمان‌بر باشد.

امید است پژوهشگران معاصر، که پر تلاش‌اند و خوش فکر، بدان بپردازند و خلأهای موجود را پر کرده، غبار نسیان از این مهم بزدایند.

بدیهی است، به دست آوردن نتیجه‌ای مفید و ارزشمند، همت افراد و گروه‌هایی را می‌طلبد که با حوصله تمام، از لابلاي کتاب‌های تاریخ، تراجم و رجال، حدیث، سفرنامه‌های حج، فهرست مخطوطات و... مطالب مربوط را بیابند و در قالبی پسندیده و به صورت دائرةالمعارفی ماندگار عرضه کنند تا فرهنگنامه‌ای باشد که علاوه بر پرداختن به ریز موضوعات، زمینه‌های پژوهش گسترده‌تر را برای اهل کار و تلاش فراهم آورد.

حضور برجسته دانشمندان شیعه در نیمه اول قرن یازدهم هجری در مکه معظمه، از مسائل قابل توجهی است که جا دارد، هرچند به‌طور فشرده و مختصر، بدان پرداخته شود.

چنین برمی‌آید که در آن زمان، عالمان شیعه مهاجر ایرانی و لبنانی، در مکه حضوری چشم‌گیر داشته‌اند و با آزادی نسبی، علاوه بر عبادت، می‌توانستند به کار تعلیم و تعلم و تألیف و نسخه برداری کتب مذهبی بپردازند و بازار علوم مذهبی شیعی را در مکه رونق دهند.

به تعبیر علامه سید حسن صدر، در آن روزگار، مکه مکرمه، منزل‌گاه علمای شیعه بوده است.^۱

شاید بتوان گفت که حضور آزاد و فعال دانشمندان شیعه در مکه، در قرن یازدهم، در مقایسه با قرون دیگر اسلامی، یک استثنا است که دیگر تکرار نشده است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه عامل یا عواملی سبب شده است که در آن برهه از تاریخ، جمعی از علمای شیعه در مکه گردهم آیند و حوزه علوم دینی شیعی را تشکیل دهند؟ و در رونق فرهنگ شیعی بکوشند و در بازسازی کعبه، به سال ۱۰۴۰ ه. مشارکت کنند و درباره آن تجدید بنا، دو کتاب به نام‌های: «مفرحة الأنام فی تأسیس بیت الله الحرام» و «أبئیه الکعبه» بنگارند؟

به نظر می‌رسد شیوه حکومت و رفتار حاکمان مکه به گونه‌ای بوده که زمینه چنین حضور فعالی را فراهم می‌کرده است. در آن زمان، حکومت به دست شرفا و سادات بوده که گرچه سنی بوده‌اند، اما گرایش و میلی به تشیع داشته‌اند.

* * *

اشاره به این نکته لازم است که منبع این نوشته، عمدتاً جلد پنجم کتاب «طبقات اعلام الشیعه» نوشته علامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی است که در قرن چهاردهم هجری می‌زیسته است. آن بزرگ مرد، بیشتر آگاهی‌های خود را از نسخه‌های خطی به دست آورده و این نشان می‌دهد اطلاعات وی، پر بها و منحصر به فرد است؛ زیرا دسترسی وسیع به کتاب‌های خطی در زمان ما، آنگونه که برای او به هنگام تدوین کتاب عظیم «الذریعه...» فراهم بود، میسر نیست.

آری، اگر توفیق نگاه دوباره و همه جانبه به کتاب‌های خطی، برای فرد یا گروهی، در مقیاس وسیع پیش آید و همه اطلاعات جانبی آن‌ها؛ از قبیل: کاتب‌ها، سفارش دهنده‌ها، زمان شروع و پایان و نیز مکان تألیف و نسخه برداری، همچنین بلاغ‌ها، انشاءها، اجازه‌ها، تملک‌ها و... از آن‌ها استخراج و به رایانه داده شود، می‌توان امیدوار بود که گوشه‌هایی تاریک از تاریخ ما روشن و بسیاری از علمای ما شناخته شوند.

البته شیخ آقا بزرگ تهرانی، در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» در صدد فراهم آوردن زندگی‌نامه دانشمندان شیعه، به‌طور عام بوده است، نه با رویکرد حضور آنان در مکه مکرمه. به یقین، اگر وی با این دیدگاه قلم می‌زد یا به این موضوع توجه ویژه داشت، آگاهی‌های بیشتری فراهم می‌آورد و در اختیار ما می‌گذاشت.

اکنون ما، در این نوشتار، ۷۴ تن از عالمان و دانشمندان شیعی را، که در سده یازدهم هجری در مکه می‌زیسته‌اند، معرفی می‌کنیم و آنگاه گزارشی از ۳۰ کتاب شیعی، که در آن قرن در مکه تألیف یا استنساخ شده‌اند، می‌آوریم و سپس نگاهی کوتاه خواهیم داشت به دانشمندان و کتابهای شیعی در مدینه منوره در قرن یازدهم. گفتنی است در آن دوره تألیف، نسخه برداری، و خرید و فروش کتب شیعه در مکه رواج داشته و از آن جا به شهرهای دیگر شیعه نشین هم برده می‌شده است.

نکته قابل توجه درباره علمای شیعه در مکه مکرمه این است که از هر دو جریان اخباری



و اصولی در میان آنان دیده می‌شود، گرچه غلبه با اخباریان بوده است. دیگر آن‌که بیشتر آنان ایرانی بوده‌اند و علمای جبل عامل لبنان، از نظر تعداد، در مرتبه بعد قرار داشته‌اند؛ یعنی همه مهاجر بوده‌اند و بومی در میان ایشان کمتر وجود داشته است.

و ویژگی دیگر این عالمان، آن است که بیشتر فقیه یا محدث و رجالی بوده‌اند و فیلسوف، متکلم، عارف، مورخ، ریاضی دان و شاعر فارسی‌گوی در میان آنان به چشم نمی‌خورد.

* * *

۱- ابراهیم احسائی بن علی بن عبد الله جبلی شیرازی، «تفسیر فرات کوفی» را در دوران مجاورتش در مکه مکرمه استنساخ کرده و در روز سه شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۰۸۳ هـ. از آن فراغت یافته است. احسائی سپس همان نسخه را در مکه در سال ۱۰۸۵ با عبدالله بن احمد انصاری مقابله کرده است.^۲

۲- ابراهیم همدانی (م ۱۰۲۶)، پس از یک سال مجاورت در مکه مکرمه، از شمس‌الدین محمد عینائی، که در مکه ساکن بوده، اجازه گرفته است.^۳

۳- احمد انصاری بن ادریس عاملی حسینی، از شاگردان شیخ محمد سبط، فرزند صاحب معالم، ساکن مکه مکرمه بوده و از «منتقى الجمان» تألیف صاحب معالم در سال ۱۰۱۷ در مکه مکرمه نسخه برداری کرده و آن را نزد استاد خود شیخ محمد سبط قرائت کرده است.^۴ اخیراً حاشیه‌ای بر اصول کافی به چاپ رسیده که ظاهراً از تألیفات او است.^۵

۴- احمد حکمی، در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۵ در مکه مکرمه به رحمة الله گیلانی درس داده است.^۶

۵- احمد شهیدی جزینی عاملی، از نوادگان شهید اول، محمد بن مکی، است. شیخ حرّ عاملی گوید: او از معاصرانی است که سال‌ها در مکه مکرمه مجاورت اختیار کرده است. شیخ آقا بزرگ از سخن شیخ حرّ عاملی چنین برداشت کرده که وی پیش از سال ۱۰۹۷ هـ. در گذشته است.^۷

۶- احمد بن قاسم شیرازی، همه کتاب «من لایحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق را استنساخ کرده و در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۰۲۴ جزو دوم آن را به پایان برده است. او همه آن کتاب را

نزد استادش فضل‌الله بن محب‌الله دستغیب شیرازی خوانده و استاد بر آن نسخه، بلاغ‌ها نگاشته است.^۸

با توجه به این‌که استادش فضل‌الله دستغیب در مکه می‌زیسته و دو سال پیش از تاریخ فوق؛ یعنی در سال ۱۰۲۲ رجال کبیر استرآبادی را در مکه استنساخ کرده^۹ ظاهراً احمدبن قاسم شیرازی نیز در مکه مکرمه زندگی می‌کرده و در آن جا «من لایحضره الفقیه» را نسخه‌برداری کرده است.

۷- احمد مکی بن شهاب‌الدین فضل‌بن محمد باکثیر، کتاب خود «وسيلة المآل فی عدّ مناقب الآل» را در مکه معظمه، در سال ۱۰۲۷ نوشته است.^{۱۰}

سید علیخان مدنی، بعضی از قصاید و شرح حال وی را در «سلافة العصر» آورده است.^{۱۱}

۸- احمد میر نظام‌الدین بن محمد معصوم حسینی دشتکی، پدر وی، میر محمد معصوم، با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج ازدواج کرد و پس از تمام کردن حج، در مکه مشرفه مجاورت گزید. احمد میر نظام از آن پدر و مادر به دنیا آمد و در مکه مکرمه رشد کرد و تربیت شد و از همگنان پیشی گرفت. وزیر عبد‌الله قطب شاه وی را به حیدرآباد دکن دعوت کرد و وی راهی آن دیار و در آنجا ماندگار شد.^{۱۲}

او پدر سید علیخان مدنی، ادیب شهیر شیعی و صاحب تألیفات گرانسنگ است.

۹- اشرف محمد جوزی بن شهاب، شاگرد شمس‌الدین محمدبن خاتون عاملی بود و از «کتاب‌الدیون» تا آخر تهذیب الأحکام شیخ طوسی را استنساخ کرد و نزد استاد خود، محمدبن خاتون در مکه مکرمه خواند و استاد در پایان کتاب برای او چنین نگاشت: وی - که خداوند توفیقاتش را استمرار بخشد و راه هر نیکی و فضیلت و کمالی را برای او آسان فرماید - قرائت آن را با تحقیق و استحکام و دقت به پایان برد و مشکلات آن را کاوید و پرده از روی فواید و اشاراتش گشود. خداوند فایده‌ها و بهره‌دهی وی را بسیار کند و عالمان عامل، چون او را زیاد گرداند. مکه مشرفه به تاریخ ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۰۰۹ هـ. محمد بن احمد بن نعمة‌الله بن خاتون عاملی.^{۱۳}

۱۰- جعفر بن کمال‌الدین بحرانی، شیخ حرّ عاملی گوید: وی فاضل عالم صالح ماهر شاعر معاصر است، او را در مکه مکرمه دیدم و در حیدرآباد دکن وفات یافت.^{۱۴}



شیخ حرّ عاملی توضیح نداده که آیا جعفر در مکه اقامت گزیده بود یا برای زیارت به مکه آمده بود.

۱۱- حامد استرآبادی بن محمد چرجانی، بیش از پنج سال در مکه مکرمه اقامت گزید و در آن جا تمام کتاب «کافی» کلینی را در چهار مجلد از ۱۶ ربیع الثانی ۱۰۲۵ تا اواسط رجب ۱۰۳۰ نسخه برداری کرد.^{۱۵}

به نظر می‌رسد که پنج سال، از سال‌های مجاورت خود در مکه مکرمه را به نسخه برداری کتاب مذکور گذرانده؛ زیرا در چند جای آن نسخه تاریخ زده است اما سال‌های مجاورت وی در مکه بیشتر بوده است.

۱۲- حسن شدقمی ابو المکارم بدرالدین مدنی هندی (۹۹۸-۹۳۲)، از نقبای سادات مدینه منوره بود و مدتی در مکه مکرمه زندگی کرد و در ۱۸ ذی حجه ۹۸۳ از پدر شیخ بهایی؛ شیخ حسین بن عبد الصمد در مکه مکرمه اجازه دریافت کرد. شیخ حسین در آن اجازه می‌نویسد حسن شدقمی از وی در خانه‌اش در مکه مکرمه پذیرایی کرده است.^{۱۶}

در همان روز ۱۸ ذی حجه ۹۸۳ ه. حسین بن عبد الصمد، به پرسشی درباره کرامتی از شهید ثانی پاسخ داده است.^{۱۷}

پس وی در مکه، دارای خانه بوده و دست‌کم مدتی را در آن جا به سر برده است. گفتنی است وی بزرگ‌خاندان شدقمی است. شیخ حسین بن عبد الصمد آن اجازه را برای وی و فرزندانش؛ سید محمد، سید علی، سید حسین و سیده ام‌الحسین دختر وی نگاشته است.

از نوشته شیخ آقا بزرگ چنین برمی‌آید، در اصفهان موقوفاتی بوده که به حرمین شریفین تعلق داشته و درآمد آن‌ها به دست نوادگان حسن شدقم؛ سلیمان و محسن فرزندان محمد بن حسن شدقم، و شمس‌الدین بن علی بن حسن شدقم، و ضامن بن شدقم بن علی، نبیره حسن شدقم و حسین بن علی بن حسن شدقم در مدینه منوره و مکه مکرمه به مصرف می‌رسیده است.

صاحب مدارک، در سفر حجش در سال ۹۸۷ ه. به حسن شدقم اجازه داده است. او در روز غدیر، سال ۹۷۷، در مکه از نعمه بن احمد بن خاتون عاملی نیز اجازه گرفته است. از این سه اجازه دارای تاریخ، به دست می‌آید که به یقین وی از ۹۷۷ تا ۹۸۷ به مدت ۱۱

سال در مکه مکرمه می‌زیسته و سپس به حیدرآباد هند رفته است.

۱۳- حسن مشغری، در مکه مکرمه کتب اربعه حدیثی را نزد میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی آموخته است.^{۱۸}

با توجه به مفصل بودن کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه)، به نظر می‌رسد که وی سالیانی را در مکه مشرفه برای آموختن آن‌ها به سر برده است.

۱۴- حسین بن حسن مشغری عاملی، در مکه معظمه، شاگرد و مصاحب شیخ محمد، فرزند صاحب معالم بوده است.^{۱۹} وی کتاب «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» تألیف شیخ محمد را به خط خود نگاشته و بر روی همان نسخه چنین نوشته است:

مؤلف این کتاب شب دوشنبه دهم ذی القعدة ۱۰۳۰هـ. از دنیا رفت و چند روز پیش از وفاتش، در مکه به من گفت: همین روزها من می‌میرم. ما او را نزدیک قبر حضرت خدیجه به خاک سپردیم. این سخن را در همان روز نوشتم.^{۲۰}

۱۵- حسین دشتکی میر نصرالدین، در سال ۱۰۲۳ در مکه مکرمه از دنیا رفت و در قبرستان حجون مدفون گردید.^{۲۱}

۱۶- حسین ظهیری، استاد شیخ محمد حرّ عاملی، صاحب وسائل است و خود در مکه مکرمه نزد محمد امین استرآبادی اخباری درس خوانده است.^{۲۲}

۱۷- حسین بن علی حسینی شامی عاملی، در سال ۱۰۰۷ در مکه مکرمه نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را خریداری کرده است.^{۲۳}

۱۸- حسین قاضی، نسخه کتاب «فقه الرضا» را از مکه مکرمه به اصفهان آورده است.^{۲۴} مجلسی اول گوید: میر حسین قاضی، پس از مدتی مجاورت در مکه مکرمه، به اصفهان آمد و نسخه‌ای از کتاب فقه الرضا را به همراه آورد.^{۲۵}

۱۹- حسین نیشابوری مکی بن محمد علی، معاصر سید نورالدین علی بن ابی‌الحسین موسوی عاملی (متوفای ۱۰۶۸هـ.) بوده است. او متولد و ساکن مکه مکرمه بوده و در همان‌جا (حدود سال ۱۰۸۰هـ.) وفات یافته است.

به سفارش وی باب «إحیاء الموات» تا «الموارث» از کتاب «جامع المقاصد» نسخه‌برداری شده و وی را با وصف «علامه» ستوده‌اند.^{۲۶}

وی در سال ۱۰۵۶ در مکه مکرمه به مولا نوروز علی تبریزی اجازه داده است.^{۲۷} از مقایسه این تاریخ با سال وفات وی، چنین به دست می‌آید که وی بیش از ۲۴ سال در مکه سکونت داشته است.

۲۰- **حیدر سکیکی**، سکونت وی در مکه بوده است. شیخ حرّ عاملی گوید: سکیکی را در سال ۱۰۶۲، در سفر دوم خود به حج، در مکه دیدم. وی یکی - دو سال پس از آن، در مکه در گذشت.^{۲۸}

۲۱- **خضر موصلی بن عطاء الله شامی**، ساکن مکه معظمه بوده و در سال ۱۰۰۳ کتاب «الاسعاف» را تألیف کرده و در سال ۱۰۰۷ هـ. در گذشته است.^{۲۹}

۲۲- **خلیل بن غازی قزوینی** (۱۰۸۹-۱۰۰۱)، محدّث و کلامی ماهری بوده است. صاحب وسائل، در حجّ اوّل خود، در سال ۱۰۵۷ هـ.^{۳۰} او را دیده که در مکه معظمه اقامت گزیده و مشغول حاشیه نویسی بر «مجمع البیان» بوده است. او سال‌ها در مکه بوده و سپس به قزوین باز گشته و در آن‌جا زندگی را وداع گفته است.^{۳۱}



- ۲۳- خیرالدین بن محمد قاسم قاری نجفی، وی و پدرش در فاصله سال‌های ۱۰۴۵ - ۱۰۴۲ در مکه مکرمه، به رحمت‌الله گیلانی علم آموخته و اجازه داده‌اند.^{۳۲}
- ۲۴- داود بن عمر طبیب انطاکی (۱۰۰۸-۹۵۰)، از انطاکیه به دمشق و سپس به قاهره سفر کرده و به دعوت حاکم مکه، شریف حسن بن ابی نمی به حجاز رفته است. وی کتاب‌های طبّی تألیف کرده است.^{۳۳}
- ۲۵- ربیع نباطی عاملی، ساکن مکه مشرفه بوده و در سال ۱۰۰۲، در همان‌جا در گذشته است. مرثیه‌ای که صاحب معالم در مرگ او سروده، نشان دهنده جلال و بزرگی اوست.^{۳۴}
- ۲۶- رحمت‌الله گیلانی حیدرآبادی، نویسنده کتاب «برهان القاری فی تجرید کلام الباری» به زبان فارسی است. او که در حیدرآباد هند سکونت داشته، در سال ۱۰۴۲ به حج رفته و تا سال ۱۰۴۵ در آن‌جا به سر برده نزد محمد قاسم قاری نجفی و فرزندش خیرالدین درس خوانده و از آنان اجازه گرفته است. وی در مکه نزد احمد حکمی نیز درس خوانده است.^{۳۵}
- ۲۷- زین الدین بن محمد بن حسن بن شهید ثانی، نوه شیخ حسن صاحب معالم است. از سخن برادرش بر می‌آید که وی در سال ۱۰۰۹ به دنیا آمده، در عراق و ایران تحصیل نموده و در سال ۱۰۳۰ از اصفهان به مکه مهاجرت کرده و در آن‌جا سکونت گزیده است. او در سال ۱۰۷۴ در گذشته و در کنار پدرش، در قبرستان حجون مکه مکرمه مدفون شده است.^{۳۶}
- آنچه آوردیم، سخن شیخ آقابزرگ بود، لیکن برادرش نوشته است:
- ۲۹ ذی‌حجه ۱۰۶۴ در مکه از دنیا رفت و من از روز عرفه تا زمان وفات، نزد وی بودم و او نزد قبر پدرم به خاک سپرده شد.^{۳۷}
- سید محسن امین نیز وفات او را ۱۰۶۴ دانسته است.^{۳۸}
- ۲۸- زین العابدین بن نورالدین علی جبعی موسوی عاملی، در سال ۹۹۶ به دنیا آمد و در سال ۱۰۷۳ در مکه مکرمه درگذشت و در مقبره حجون دفن شد. وی پسر برادر صاحب المدارک از آن خاندان علمی است.^{۳۹} چنین می‌نماید که وی بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را در مکه سپری کرده؛ زیرا پدرش در مکه سکونت داشته است.^{۴۰}
- ۲۹- زین العابدین بن نور الدین علی کاشانی، در مکه مکرمه سکونت داشته است و رساله چاپ شده «مُفَرَّحَةُ الْأَنَامِ فِي تَأْسِيسِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ» را نگاشته است. این کتاب را در باره سیل سال ۱۰۳۹ هـ. نوشته که سبب تخریب کعبه مشرفه شد و سپس مراحل بازسازی آن



در سال ۱۰۴۰. اولین سنگ بنای جدید کعبه را وی گذاشت و در همه مراحل بازسازی، با جمعی از شیعیان شرکت کرده و در این امر یاری نموده است.

وی زمان بسیاری در مکه مکرمه زندگی کرده، در آنجا از محمد امین استرآبادی درس آموخته و به برخی؛ از جمله عبدالرزاق مازندرانی اجازه داده است. وی را که عالم پر تلاشی بوده، در مکه مکرمه به جرم تشیع به شهادت رساندند. او با همسر و دو طفل خردسالش، که پیش از وی در گذشته‌اند، همگی در قبرستان حجون مکه مدفون شده‌اند.^{۴۱}

۳۰- شمس الدین محمد شیرازی مکی، در مکه مکرمه مجاورت گزیده و به فراگیری علم پرداخته است. مولا خلیل قزوینی حاشیه خود بر «عُدّة الاصول» را در مکه به وی داد و نام برده پس از مطالعه، در رد آن مطلب نوشت.^{۴۲}

۳۱- شمس الدین محمد، معروف به شمس گیلانی، وی که از فلاسفه قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهائی و ملاصدرا بوده در اصفهان می‌زیسته، لیکن کتاب «العلم الإلهی = النوریه» را در سال ۱۰۴۸ در مکه معظمه تألیف نموده است.^{۴۳}

۳۲- شیخ صنعان، به سفارش وی، نسخه‌ای از «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید» در مکه مکرمه استنساخ شده است. شیخ آقا بزرگ احتمال داده که شیخ صنعان، نام مستعار باشد نه نام واقعی.^{۴۴}

۳۳- صاحب علی استرآبادی، شاگرد میرزا محمد استرآبادی، صاحب کتاب‌های رجال است.^{۴۵} با توجه به این که استاد وی در مکه می‌زیسته، ظاهراً صاحب علی هم متوطن مکه مکرمه بوده است.

۳۴- عبد الرزاق مازندرانی، شاگرد سید زین العابدین کاشانی است، همو که در تجدید بنای کعبه مشرفه شرکت داشته و در مکه به شهادت رسیده است. عبدالرزاق از وی اجازه داشته است.^{۴۶}

۳۵- عبد علی عاملی، کتاب «تلخیص الأقوال» از تألیفات میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتاب‌های رجالی را در کنار کعبه مشرفه در سال ۱۰۱۵ استنساخ کرده و حواشی بسیاری از مؤلف بر آن نگاشته است. ظاهراً وی از همکاران سید زین العابدین کاشانی در تجدید بنای کعبه مشرفه بوده است.^{۴۷}

۳۶- عبدالله بن احمد انصاری، شیخ آقا بزرگ از وی با لقب «شریف» یاد می‌کند که این

لقب در مورد سادات به کار می‌رود. در سال ۱۰۸۵ هـ. ابراهیم احسائی، «تفسیر فرات کوفی» را در مکه مکرمه با وی مقابله کرده و وی مقابله و تصحیح خود را بر روی آن نسخه گواهی کرده است.^{۴۸}

۳۷- عبدالله طائی، کتاب «علل الشرایع» تألیف شیخ صدوق را در مکه مکرمه تصحیح و مقابله کرده است.^{۴۹}

۳۸- علی جبعی (۱۰۶۸ - ۹۷۰)، برادر صاحب «المدارک»، بیش از بیست سال در مکه سکونت داشته و به تدریس و تألیف مشغول بوده و در همان‌جا از دنیا رفته است. از تألیفات وی «الشواهد المکیه»، در ردّ «الفوائد المدنیه» محمد امین استرآبادی است. می‌توان گفت وی یکی از علمای برجسته اصولی است که در برابر محمد امین استرآبادی مقاومت نمود. پس در مکه، در آن زمان، هم از اصولیان و هم از اخباریان حضور داشته‌اند.

وی دارای پنج پسر به نام‌های: زین العابدین، جمال الدین، ابوالحسن، حیدر و علی بوده که ظاهراً آنان نیز اهل فضل و کمال بوده‌اند. برخی دانشمندان از وی اجازه دارند؛ مانند: محمد محسن بن محمد مؤمن با اجازه‌ای به تاریخ ۱۰۵۱، میر محمد مؤمن بن دوست محمد صاحب کتاب «الرجعه»، محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی، صالح بن عبدالکریم بحرانی. قاسم بن محمد کاظمی نیز در طائف و مکه نزد وی درس خوانده است.^{۵۰}

۳۹- علی رضا بن آقا جانی، کتاب «تهذیب» را، در مکه، نزد میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجال آموخته و در سال ۱۰۱۶ هـ. از وی اجازه گرفته است.^{۵۱}

۴۰- علی نجفی بن ابراهیم، صاحب نسخه‌ای از تفسیر فرات کوفی بوده که به سال ۱۰۸۳ در مکه مکرمه استنساخ شده و بر مهر وی، تاریخ ۱۰۸۳ حکّ بوده است.^{۵۲}

شیخ آقا بزرگ به حضور وی در مکه مکرمه تصریح نکرده، لیکن به نظر می‌رسد او از مکه نسخه مذکور را خریده است.

۴۱- عیسی بن زین العابدین مازندرانی، در مکه مکرمه به سر می‌برده و در آن‌جا همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را استنساخ کرده و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان رسانده است.^{۵۳}

۴۲- فتح‌الله بن مسیح الله، در مکه مکرمه می‌زیسته و کتاب «أبنیة الکعبه» را در تاریخ بازسازی‌های کعبه در طول تاریخ نگاشته و در آن گزارشی از تجدید بنای کعبه مشرفه در سال ۱۰۴۰ ارائه کرده است؛ زیرا خود شاهد تخریب آن، بر اثر سیل و سپس بازسازی‌اش بوده



- است. وی مقاله «مَفْرَحَةُ الْأَنَامِ» سید زین العابدین کاشانی را نیز در کتاب خود گنجانده است.^{۵۴}
- ۴۳- فضل الله دستغیب بن محبّ الله شیرازی، از شاگردان میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی است. او رجال کبیر استاد خود را در زندگانی استاد در مکه مکرمه استنساخ کرده و ۲۷ رجب ۱۰۲۲ از آن فراغت یافته، سپس با نسخه اصل، به قلم مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان ۱۰۲۲ آن را به پایان برده است.^{۵۵}
- احمد بن قاسم شیرازی همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را نزد وی خوانده و استاد بر آن نسخه بلاغ‌ها نگاشته است.^{۵۶}
- ۴۴- قوام الدین محمد، کتاب «الشواهد المکیه» نوشته علی جبعی را، که در رد کتاب «الفوائد المدنیه» استرآبادی است، نسخه برداری کرده و بر آن حاشیه بسیار زده و هفتم رمضان ۱۰۶۸ از آن فراغت یافته است.^{۵۷}
- ۴۵- محسن بن محمد مؤمن استرآبادی، شاگرد نورالدین علی بن علی بن حسین عاملی (متوفای ۱۰۶۸ هـ.) است. استادش برای وی در مکه مکرمه اجازه‌ای در تاریخ ۱۰۵۱ نگاشته است. وی سپس به مشهد خراسان منتقل شد و در آن جا به سال ۱۰۸۹ زندگی را وداع گفت. گفتنی است که او به مجلسی اجازه داده است.^{۵۸}
- ۴۶- محمد امین بن محمد شریف استرآبادی، از پرچمداران اخباریان و مخالف سرسخت اصولیان است و تألیفات متعدد دارد. او ابتدا در مدینه منوره مجاورت گزید و سپس به مکه مکرمه رفت و در آن جا ساکن شد و همان جا به سال ۱۰۳۶ در گذشت. به نظر می‌رسد کتاب «الفوائد المکیه» را در مکه مکرمه نوشته است. وی داماد میرزا محمد استرآبادی، صاحب کتاب‌های رجالی بود که او نیز سالیانی دراز در مکه مکرمه مجاورت گزیده بود.^{۵۹}
- محدث قمی وفات وی را در سال ۱۰۳۳ هـ. نوشته است.^{۶۰}
- ۴۷- محمد امین شدقمی، معاون قاضی مکه مکرمه بوده است.^{۶۱}
- ۴۸- محمد امین قمی بن میرزا جان بن سلطان حسین بن ابی طالب نجفی، نسخه برداری کتاب «خلاصه الأقوال» علامه حلی را برای خود و به خط خود در مکه مکرمه آغاز کرد و در جمادی الآخره ۱۰۰۹ هـ. از آن فراغت یافت و سپس آن را برای عموم شیعیان وقف کرد.^{۶۲}
- ۴۹- محمد باقر بن محمد مؤمن، محقق سبزواری، از مجتهدان و حکیمان مشهور و صاحب تألیفات در فقه و حکمت است. او در اصفهان تحصیل کرد و در مشهد سکونت و

ریاست علمی یافت. قبرش در مدرسه میرزا جعفر است. در سال ۱۰۶۲ در مکه مکرمه در جنگ حسین شیرازی، مطلبی علمی به رسم یادگار نوشته است.^{۶۳}

۵۰- محمد باقر نیشابوری بن حسین مکی بن محمد علی، در مکه مکرمه سکونت داشته و دو مجلد بزرگ «جامع المقاصد» از پدرش به وی ارث رسیده است. محمد باقر نیشابوری از مجلسی و محمد سراب و سید علی خان دشتکی اجازه داشته است.^{۶۴}

۵۱- محمد بهاء الدین بن قاری، در مکه مکرمه کتاب «الإرشاد» شیخ مفید را نسخه برداری کرده و بر آن حاشیه زده و فوائد و مقالات علمی دیگر را ضمیمه همان نسخه نگاشته است.^{۶۵}

۵۲- محمد تقی سرخ آبی بن ابراهیم مازندرانی، کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق را در مکه مکرمه نسخه برداری کرده و ۱۱ شوال ۱۰۵۴ بر فراز کوه ابوقییس، آن را به پایان برده است.^{۶۶}

۵۳- محمد بن حسن صاحب معالم بن شهید ثانی، پنج سال را در مکه سپری کرد و از میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجالی دانش آموخت، سپس به کربلا مراجعت کرد و مدتی را در آنجا زیست. او در سال ۱۰۲۴ در نجف اشرف برای بهاء الدین علی بن یونس حسینی تفرشی اجازه نوشت و در سال ۱۰۲۵ در کربلا از نگارش کتاب «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» فراغت یافت.

وی سپس به مکه مکرمه بازگشت و سال‌های پایانی عمر خود را در آنجا سپری کرد. معروف است که او روزی در طواف کعبه مشرفه بود، شخصی گلی به وی هدیه کرد که نه زمان آن بود و نه از آن منطقه بود. شیخ محمد از او پرسید: این گل را از کجا آورده‌ای؟ وی پاسخ داد: از خرابات، و دیگر آن شخص را ندید.^{۶۷} وی در همان‌جا در سال ۱۰۳۰ زندگی را وداع گفته و نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری علیها السلام در قبرستان حجون مدفون شده است.^{۶۸}

۵۴- محمد حسین بن مقصود علی طالقانی، از سید نورالدین بن علی بن ابی‌الحسن عاملی در منزل وی در مکه مکرمه اجازه گرفته است.^{۶۹}

۵۵- محمد بن حیدر عاملی حسینی، در سال ۱۰۸۹ هـ. حدیثی به یادگار در مجموعه محمد باقر بن محمد حسین نیشابوری نگاشته، در حالی که در مکه مکرمه مجاورت گزیده بود.^{۷۰}



۵۶- محمد سلمان شریف صفوی، که «ترتیب رجال النجاشی»، نوشته محمدتقی خادم انصاری را در مکه مکرمه استنساخ کرده و در ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۰۲۴ هـ. از آن فراغت یافته است.^{۷۱}

۵۷- محمد شامی بن علی بن زین‌الدین محمد حسینی عاملی، نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را در مکه مکرمه خریده و تملک خود را به سال ۱۰۰۷ بر آن نوشته است.^{۷۲}

۵۸- محمد شمس‌الدین بن شهاب‌الدین احمد عیناثری عاملی، ساکن مکه مکرمه بوده است. ماجد جد حفصی (متوفای ۱۰۲۸) از او اجازه گرفته و نیز میرزا ابراهیم همدانی (متوفای ۱۰۲۶ هـ.) پس از یک سال مجاورت در مکه مکرمه، از او اجازه دریافت کرده است.^{۷۳}

۵۹- محمد صالح گیلانی (۱۰۸۸-۹۶۹)، شاگرد شیخ بهایی و دیگر عالمان اصفهان بود. چهل سال در دکن هند زندگی کرد و سپس راهی حج شد. در این سفر دریا طوفانی شده، کتاب‌های گران‌بهای او غرق می‌شود، لیکن خودش نجات می‌یابد. وی مدتی در مکه اقامت اختیار می‌کند و سپس به سوی یمن می‌رود و در آن‌جا ماندگار می‌شود و قدر و منزلت می‌یابد و در همان‌جا از دنیا می‌رود.^{۷۴}

۶۰- محمد بن عبد اللطیف جامعی، چند کتاب علمی و عمومی را به خط خود و برای خود نسخه‌برداری کرده و بر آن‌ها مهر بزرگی زده که نوشته آن چنین است: «محمد بن عبد اللطیف الجامعی، نزیل حرم الله السامی». از نوشته این مهر به دست می‌آید که وی مدتی در مکه مکرمه زندگی کرده است.^{۷۵}

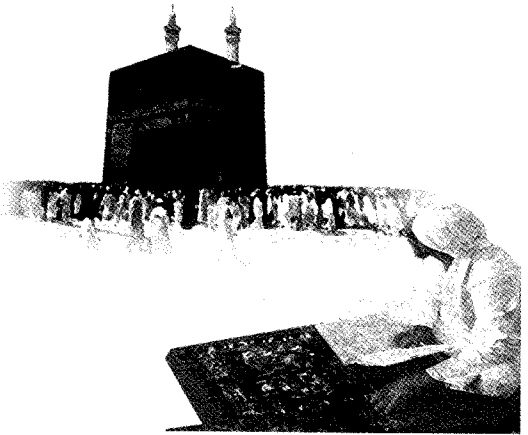
۶۱- محمد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی، مؤلف کتاب‌های علم رجال بوده، که رجال کبیر او به نام «منهج المقال» چاپ شده است. شیخ آقا بزرگ بحثی مطرح کرده که آیا وی از سادات بوده یا نه؟ در هر حال، با توجه به قوت علمی اش، کم و بیش نقش محوری در گردهم‌آیی علمای شیعه در مکه مکرمه داشته است.

در «ریاض العلماء» آمده است: از محقق ملاً احمد اردبیلی پرسیدند پس از شما به چه کسی برای فراگیری علم مراجعه کنیم؟ پاسخ داد: در علوم عقلی به میرفضل الله، و در علوم نقلی به میرعلام. میرزا محمد استرآبادی از این‌که از وی نام نبرد رنجیده شد و از نجف اشرف به مکه مکرمه هجرت کرد و در آن‌جا بساط علم گسترد.^{۷۶}

اگر این داستان را درست بدانیم، وی باید اندکی پیش یا پس از سال ۹۹۳، که سال وفات اردبیلی است، به مکه رفته باشد و با توجه به وفاتش در سال ۱۰۲۸ هـ. بيش از سی سال در مکه زندگی کرده و به افاده پرداخته است. محمد امین استرآبادی (پرچمدار اخباریان) داماد وی بوده است. چندین تن از استرآبادی‌های ساکن مکه مکرمه، عالم و دانشمند بوده‌اند و سر سلسله آنان میرزا محمد استرآبادی رجالی بوده است. وی در قبرستان حجون در مکه معظمه مدفون است.^{۷۷}

۶۲- محمد علی بن احمد عاملی مکی، مؤلف کتاب «الدلائل المکیة فی العقائد الدینیة» است که در سال ۱۱۰۸ آن را نوشته است.^{۷۸}

شیخ آقا بزرگ به زندگی وی در مکه اشاره‌ای نکرده، لیکن از نام کتابش چنین برداشت می‌شود که در مکه به نگارش آن دست زده است.



۶۳- محمد علی اصفهانی، نزد شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتاب‌های رجالی، شاگردی نموده و استرآبادی برای وی در سال ۱۰۱۵ اجازه‌ای نگاشته است.^{۷۹} با توجه به مجاورت استرآبادی در آن سال‌ها در مکه مکرمه، ظاهراً آن اجازه در مکه صادر شده و اصفهانی مدتی را نزد وی در مکه درس خوانده است.



۶۴- محمد علی شیبانی بن محمد صالح شیرازی، در مکه مکرمه بر «ارشاد» شیخ مفید حاشیه زده و ۲۷ رمضان ۱۰۷۳ از آن فراغت یافته است.^{۸۰}

۶۵- محمد بن علی بن محمود شامی عاملی، از معاصران شیخ حرّ عاملی بوده و سید علیخان مدنی نزد وی درس خوانده و اشعار او را در «سلافة العصر» و دیوان خود نقل کرده است. وی در سال هزار و نود و اندی در گذشته است.^{۸۱}

سید علیخان گوید: او پس از انجام حج، دو سال در مکه ماند، سپس به وطن برگشت. برای نوبت دوم به مکه مکرمه آمد و در آنجا سکونت گزید و پدرم مقدم او را گرامی داشت و به من دستور داد تا نزد وی درس بخوانم. سرانجام او پس از مدتی مکه را ترک گفت.^{۸۲}

۶۶- محمد قاسم قاری، و فرزندش خیرالدین در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۵ در مکه مکرمه به رحمة الله گیلانی علم آموختند و به وی اجازه دادند.^{۸۳}

۶۷- محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استرآبادی، در مکه مکرمه مجاورت گزید و پس از عمری دراز در سال ۱۰۸۷ ه. به جرم تشیع در همانجا به شهادت رسید. وی پسر خواهر میر فخرالدین سماکی و داماد محمد امین استرآبادی اخباری است. او شاگرد صاحب‌علی استرآبادی است که وی شاگرد میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی بوده. پس هم خود او، هم استاد او و هم استادِ استادِ او در مکه به سر می‌برده‌اند. محمد مؤمن، از ابراهیم بن عبد الله خطیب مازندرانی و سید زین‌العابدین کاشانی مؤسس کعبه مشرفه اجازه داشته و در مکه مکرمه برای مجلسی دوم و احمد بحرانی اجازه صادر کرده است و تاریخ اجازه وی به بحرانی سال ۱۰۸۱ ه. است.^{۸۴}

۶۸- محمد نصرا تونی، در مکه مکرمه کتب اربعه حدیثی را نزد میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجالی خوانده است.^{۸۵}

با توجه به مفصل بودن کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه) به نظر می‌رسد وی سالیانی در مکه مکرمه سکونت داشته تا توفیق قرائت آن کتاب‌ها را یافته است.

۶۹- مصطفی بن محمد ابراهیم تبریزی قاری، سه مرتبه به حج مشرف شده و در حج دوم نزد اسماعیل قاری در مکه مکرمه علم قرائت قرآن آموخته است. سفرنامه سومین حج خود را که به سال ۱۰۶۷ ه. انجام شده، به نام «التحفة بین الحرمین» در حین بازگشت نگاشته است.^{۸۶}

۷۰- میر اسحاق موسوی استرآبادی، وی دعای سیفی را از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا گرفته و مجلسی اول آن را از وی روایت می‌کند. مجلسی دوم در اجازه‌اش به میر محمد هاشم، میر اسحاق را سید عابد زاهد عادل توصیف کرده و گوید: وی چهل بار پیاده به حج رفت. او پیش از مرگ از تاریخ وفات خود در عالم رؤیا آگاه شده بود. این‌گونه کرامات را در دوران اقامتش در اصفهان از وی مشاهده کردم. شاه عباس صفوی برای احوال‌پرسی به منزل او رفت و از وی دیدار کرد.^{۸۷}

۷۱- میر محمد مؤمن بن شرف الدین علی حسینی استرآبادی، در سال ۱۰۸۸ در مکه مکرمه به شهادت رسید. او پسر خواهر فخرالدین سماکی استرآبادی است.^{۸۸}

۷۲- میر محمد معصوم حسینی دشتکی، با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج ازدواج کرد و از ترس شاه، پس از فراغت از حج در مکه مجاورت گزید. فرزندش میر نظام‌الدین احمد در مکه به دنیا آمد و رشد کرد و تربیت شد و از همگان پیشی گرفت.^{۸۹}

۷۳- نور الدین بن علی بن ابی الحسن عاملی، برادر صاحب مدارک و صاحب معالم است و در خانه‌اش در مکه مکرمه به محمد حسین بن مقصود علی طالقانی اجازه داده است.^{۹۰} شیخ آقا بزرگ در جای دیگر تصریح کرده که وی ساکن مکه معظمه بوده است.^{۹۱}

۷۴- نوروز علی تبریزی، در مکه مکرمه نزد حاج حسین نیشابوری درس خوانده و در سال ۱۰۵۶ ه. از وی اجازه گرفته است.^{۹۲}

کتاب‌های شیعه در قرن ۱۱ ه. در مکه مکرمه

کتاب‌هایی که از آنها نام برده می‌شود، در سده یازدهم هجری قمری در مکه معظمه تألیف یا نسخه‌برداری شده است.

۱- ابنیة الکعبه / فتح الله بن مسیح الله

او معاصر سید زین العابدین کاشانی است و مانند او این کتاب را درباره سلیبی که در سال ۱۰۳۹ آمد و سبب تخریب کعبه مشرفه شد و نیز در باره مراحل بازسازی آن در سال ۱۰۴۰



نگاشته است. نوشته فتح الله از نوشته سید زین العابدین مبسوط‌تر است. وی رساله سید زین العابدین را نیز به عربی برگردانده و در کتاب خود گنجانده و سپس همه را به مبحث حج و عمره «مصباح المتهدد» شیخ طوسی ضمیمه کرده است.^{۹۳}

۲- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد / شیخ مفید

بهاء الدین محمد بن محمد قاری آن را در مکه به سال ۱۰۷۳ استنساخ کرده و فوائد و حواشی محمد علی بن محمد صالح شیبانی شیرازی بر آن را، که در رمضان ۱۰۷۳ در مکه معظمه نگاشته شده، ضمیمه کرده است.^{۹۴}

۳- الإسعاف / خضر الموصلي بن عطاء الله شامی

وی ساکن مکه معظمه بوده و این کتاب را در سال ۱۰۰۳ نوشته است. در سال ۱۰۰۷ در حالی که از مکه اخراج شده و به سوی مدینه منوره می‌رفته در بین راه در گذشته است.^{۹۵}

۴- إيضاح الاشتباه / علامة حلی

محمد سلمان شریف صفوی آن را در سال ۱۰۲۴ نسخه برداری کرده است. شیخ آقابزرگ پیش از ذکر آن کتاب، چنین نوشته است: «ترتیب رجال نجاشی» را محمد سلمان شریف صفوی در ۲۶ ربیع الثانی ۱۰۲۴ در مکه معظمه استنساخ کرده. سپس گوید: به خط همین کاتب، نسخه‌ای از «ایضاح الاشتباه» علامه حلی را دیدم که در همان سال نگاشته است.^{۹۶}

۵- التذکارات / گردآورنده شمس‌الدین حسین بن محمد شیرازی

وی در اواسط قرن یازدهم هجری در مکه مکرمه ساکن شد و از دانشمندان شیعه، که به حج می‌آمدند، می‌خواست مقاله‌ای از خود، در مجموعه وی به رسم یادگار بنگارند. از کسانی که در آن مجموعه، مقاله‌ای نگاشته، محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن است که در سال ۱۰۶۲ شرحی بر حدیث «بَرِّ الوالدین» در آن جُنک نگاشت.^{۹۷}

۶- ترتیب رجال نجاشی / محمد تقی خادم انصاری

محمد سلمان شریف صفوی اردبیلی، در سال ۱۰۲۴ در مکه معظمه از آن کتاب نسخه برداری کرده است.^{۹۸}

۷- تفسیر سورة الإخلاق / شمس‌الدین محمد = شمس‌اگیلانی

وی آن کتاب را در سال ۱۰۴۸ در مکه مکرمه تألیف کرده است.^{۹۹}

۸- تفسیر فرات / فرات بن ابراهیم کوفی

ابراهیم بن علی احسایی، در زمان مجاورتش در مکه معظمه، از آن، برای خود و به دست خویش نسخه برداری کرد و در ۲۳ ربیع الثانی ۱۰۸۳ از آن فراغت یافت و در سال ۱۰۸۵ هـ. با عبدالله انصاری در مکه معظمه آن را مقابله کرد.^{۱۰۰}

نسخه‌ای از تفسیر فرات که در سال ۱۰۸۳ در مکه معظمه تحریر شده، علی بن ابراهیم نجفی تملک خود را بر آن نگاشته است.^{۱۰۱} از کلام شیخ آقابزرگ دانسته نمی‌شود که آیا همان نسخه است یا نسخه دیگری است.

۹- تلخیص الأقوال / میرزا محمد استرآبادی

عبد علی عاملی، شاگرد مؤلف، در کنار کعبه مشرفه، در سال ۱۰۱۵ هـ. آن را استنساخ کرده است.^{۱۰۲}

۱۰- تهذیب الأحكام / شیخ طوسی

از «کتاب الادیون» تا آخر کتاب را اشرف محمد جوزی بن شهاب نگاشته و در مکه معظمه نزد استادش شمس الدین محمد بن خاتون عاملی خوانده و استاد برای وی در تاریخ ۱۳ جمادی الثانی ۱۰۰۹ در مکه انهایی نگاشته است.^{۱۰۳}

۱۱- جامع المقاصد / محقق کرکی

حسین نیشابوری مکی بن محمد علی از «باب إحياء الموات» تا آخر «المواریث» آن کتاب را در یک مجلد بزرگ نسخه برداری کرده است. وی ساکن مکه معظمه بوده و حدود سال ۱۰۸۰ در مکه در گذشته است.^{۱۰۴}

۱۲- حاشیه عُدّة الأصول / مولا خلیل قزوینی

مؤلف، آن را در سالی که به حج مشرف شده به شمس الدین محمد شیرازی در مکه داده و وی بر آن انتقاداتی نگاشته است.^{۱۰۵}

۱۳- حاشیه مجمع البیان / مولا خلیل قزوینی

وی سال‌ها در مکه مکرمه سکونت داشته و در همان جا حواشی مذکور را نوشته است.^{۱۰۶}

۱۴- خلاصة الأقوال في معرفة الرجال / علامه حلی

محمد امین قمی بن میرزا جان، آن را در مکه معظمه برای خود نسخه برداری کرده و در



جمادی الآخرة ۱۰۰۹ از آن فراغت یافته و آن را برای عموم شیعیان وقف کرده است.^{۱۰۷}

۱۵- الدلائل المکیة فی العقائد الدینیة / محمد علی عاملی مکی بن احمد بن علی

محمد علی آن کتاب را در سال ۱۱۰۸ هـ. نگاشته است.^{۱۰۸} از نام کتاب بر می آید که در مکه نوشته شده و از لقب مؤلف بر می آید که وی در مکه مکرمه ساکن بوده است.

۱۶- رسالات و فوائد / محمد علی بن محمد صالح شیبانی شیرازی

آن رسالات و فوائد، همراه با نسخه‌ای از کتاب «ارشاد» شیخ مفید، توسط بهاء‌الدین محمد بن محمد قاری، در مکه نوشته شده و به تاریخ ۲۷ رمضان ۱۰۷۳ به پایان رسیده است.^{۱۰۹}

۱۷- رسالة فی السؤال عن بعض المسائل المعضلة من الأصلية والفرعية /

سؤال‌کننده: حسین ظهیری؛ پاسخ دهنده: محمد امین استرآبادی

ظهیری در مکه نزد استرآبادی درس خوانده است.^{۱۱۰}

۱۸- شرح نهج البلاغه / ابن ابی الحدید

به سفارش شیخ صنعان در مکه استنساخ شده و در سال ۱۰۳۳ با نسخه دیگر مقابله گردیده است. شیخ آقا بزرگ احتمال داده که شیخ صنعان نام مستعار باشد نه نام واقعی.^{۱۱۱}

۱۹- الشواهد المکیة / علی جبعی

مؤلف آن را در ردّ «الفوائد المدنیة» ملا محمد امین استرآبادی نگاشته است. او بیش از بیست سال در مکه معظمه سکونت داشته است. علاوه آن که از نام کتاب هم استفاده می شود در مکه نگاشته شده است.^{۱۱۲}

قوام الدین بن محمد نسخه‌ای از آن را تحریر کرده و در ۷ رمضان ۱۰۶۸ آن را به پایان رسانده و بر آن حواشی بسیاری زده است.^{۱۱۳}

۲۰- علل الشرایع / شیخ صدوق

نسخه‌ای از آن را عبدالله طائی در سال ۱۰۷۳ در مکه مکرمه مقابله و تصحیح کرده است.^{۱۱۴}

۲۱- العلم الإلهی أو النوریة / شمس‌الدین محمد معروف به شمس‌گیلانی

مؤلف آن را در سال ۱۰۴۸ به هنگام مجاورت در مکه معظمه نگاشته است.^{۱۱۵}

۲۲- فقه الرضا.

میر حسین قاضی نسخه‌ای از آن را از مکه مکرمه به اصفهان آورده است.^{۱۱۶}

۲۳- الفوائد المکیه / محمد امین استرآبادی اخباری

وی پس از مجاورت در مدینه منوره، در مکه معظمه سکونت گزید و در سال ۱۰۳۶ در همان جا از دنیا رفت. «الفوائد المکیه» را شیخ آقا بزرگ ندیده بلکه گوید: نزد مجلسی دوم بوده و از آن در بحار نقل کرده است.^{۱۱۷} لیکن اسم کتاب برترین شاهد است که آن را در مکه تألیف کرده است.

۲۴- الکافی / کلینی

حامد استرآبادی بن محمد جرجانی بیش از ۵ سال در مکه معظمه سکونت گزیده و تمام کتاب کافی را در چهار مجلد در آن جا رونویس کرده است. در تاریخ ۱۶ ربیع الآخر ۱۰۲۵ از قسمت «الایمان والکفر» اصول کافی فراغت یافته، در شعبان ۱۰۲۵ از «الروضه» فراغت یافته، از اول «الطهاره» تا آخر «الجهاد» را از اواسط سال ۱۰۲۵ تا اواسط شعبان ۱۰۲۶ رونویس کرده، و پس از استنساخ، آن را نزد اساتید خود خوانده و آنان بر آن بلاغ نگاشته‌اند. از «الأشربه» در سال ۱۰۲۹، از «الوصایا» در صفر ۱۰۳۰، از «الحدود» در جمادی الأولى ۱۰۳۰، از «الدیات» در اواسط جمادی الآخره ۱۰۳۰، و از «الکفارات» در اواسط رجب ۱۰۳۰ فراغت یافته است.^{۱۱۸}

۲۵- کمال الدین / شیخ صدوق

محمد تقی سرخ آبی بن ابراهیم مازندرانی آن را نسخه برداری کرده، و در ۱۱ شوال ۱۰۵۴ روی کوه ابوقیس در مکه معظمه از آن فراغت یافته است.^{۱۱۹}

۲۶- مُفَرَّحَةُ الْأَنْامِ فِي تَأْسِيسِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ / سید زین العابدین کاشانی

در سال ۱۰۳۹ هـ. بر اثر سیل مهیب، کعبه گرامی تخریب شده، وی و جمعی از شیعیان در بازسازی کعبه مشرفه همکاری داشته‌اند. مقاله مذکور شرح داستان سیل و تخریب کعبه و بازسازی آن در سال ۱۰۴۰ هـ. است.^{۱۲۰}

۲۷- منتقى الجمان / شیخ حسن صاحب معالم

احمد انصاری از شاگردان شیخ محمد فرزند صاحب معالم، آن را در مکه معظمه در سال ۱۰۱۷ هـ. از روی نسخه مؤلف نگاشته و سپس بر استاد خود شیخ محمد فرزند صاحب معالم در مکه مشرفه خوانده است.^{۱۲۱}



۲۸- من لایحضره الفقیه / شیخ صدوق

عیسی بن زین العابدین مازندرانی تمام کتاب را همراه با مشیخه آن، در چهار مجلد در مکه مکرمه نگاشته و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان برده است. او بر آن کتاب حواشی بسیار زده است. ۱۲۲

نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را حسین شامی بن علی بن زین الدین حسینی عاملی در سال ۱۰۰۷ در مکه مکرمه خریده است. ۱۲۳

۲۹- منهج المقال = الرجال الكبير / محمد بن علی استرآبادی

شاگرد وی فضل‌الله بن دستغیب آن را در مکه معظمه استنساخ کرده و در ۲۷ رجب سال ۱۰۲۲ از آن فراغت یافته است. سپس آن را با دست‌نوشته مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان همان سال به پایان برده است. ۱۲۴

۳۰- وسیلة المآل فی عدّ مناقب الآل / احمد مکی بن شهاب‌الدین فضل بن محمد باکثیر

مؤلف آن کتاب را در سال ۱۰۲۷ در مکه معظمه تألیف کرده است. ۱۲۵

شیخ آقا بزرگ گوید: کتاب‌های علمی و عمومی بسیاری دیده‌ام که محمد بن عبد اللطیف عاملی آن‌ها را برای خود نسخه برداری کرده و بر آن‌ها مهوری زده که نوشته مهور چنین است: «محمد بن عبد اللطیف الجامعی نزیل حرم الله السامی»، از این نوشته بر می‌آید که وی مدتی در مکه سکونت

عالمان شیعی در مدینه منوره در قرن ۱۱ هـ.

در پایان سخن، از ده دانشمند شیعی نام می‌بریم که در مدینه منوره می‌زیسته‌اند، البته برخی از آنان دورانی را نیز در مکه سپری کرده‌اند. شش تن از آنان، از خاندان شدقمی و از اهالی مدینه منوره می‌باشند. آنان در مدینه ریاست و نقابت سادات را داشته‌اند و دانش آنان در رشته ادب و نسب و شعر عربی بوده است و کم و بیش اطلاعاتی هم از آموزه‌های دینی داشته‌اند و شاید توان آنان را از علمای رسمی دینی به حساب آورد که در رشته‌های فقه، اصول، عقاید، رجال، حدیث و تفسیر... تحصیل کرده باشند. به هر حال آنان عبارت‌اند از:

۱- حسین بن حسن شدقمی

پدر شیخ بهایی در سفر حج خود، برای وی و پدر و دو برادر و خواهرش در تاریخ ۹۸۳ در مکه اجازه نوشته، در حالی که او چهار ساله بوده است. او بعدها همراه پدر به حیدرآباد رفت و در سال ۹۹۸ که پدرش در آنجا از دنیا رفت به مدینه منوره برگشت.^{۱۲۶}

۲- سلیمان بن محمد بن حسن شدقمی

وی در مدینه منوره نزد پدر و عموهایش دانش آموخته و سپس به اصفهان آمده و از محضر شیخ بهایی و میرداماد بهره برده است. شاه عباس صفوی وی را گرامی داشته و موقوفات مربوط به مکه و مدینه رابه وی سپرده است. سلیمان بن محمد پیش از ۱۰۳۳ هـ. در گذشته است.^{۱۲۷}

۳- شمس الدین بن علی بن حسن شدقمی

او در مدینه منوره می‌زیسته و بزرگی یافته است. وی در مدینه از عبدالنسی جزایری می‌خواهد تا شرحی بر کتاب «ارشاد الأذهان» علامه حلّی بنگارد و او در پاسخ درخواست وی کتاب «الاقتصاد فی شرح الإرشاد» را می‌نویسد.^{۱۲۸}

۴- عبدالله سمنانی

او کتاب حسام‌الدین ماچینی، در باره حکم تنباکو و دخانیات را در مدینه منوره به درخواست علی بن حسن بن شدقمی به عربی برگردانده است.^{۱۲۹}

۵- عبدالنسی بن سعد جزائری

او مدتی در مدینه منوره به سر برده و به درخواست سید شمس الدین علی بن سیدحسن بن سید شدقمی شرحی طولانی بر کتاب «الإرشاد» علامه حلّی به نام «الاقتصاد فی شرح الإرشاد» نگاشته است که از آغاز کتاب تا «کتاب الزکات» یا «کتاب الجهاد» قلمی شده است. وی در سال ۱۰۲۱ وفات یافته است.^{۱۳۰}

۶- علی نقیب بن تقی بن علی شدقمی

وی در اصفهان به سر می‌برده و سپس به استانبول رفته و از آنجا به قاهره سفر کرده است. در سال ۱۰۶۵ به حج رفته و به زید بن محسن بن حسن بن ابی‌نمی، حاکم مکه و مدینه پیوسته و به نقابت سادات حسینی منصوب شده و سپس در سال ۱۰۸۱ از سمت نقابت عزل شده است. وی مدتی در مدینه منوره بوده است.^{۱۳۱}

۷- محسن بن محمد بن حسن شدقمی

وی دایی ضامن بن شدقم مؤلف «تحفة الأزهار» است. او و پدر و برادرش حافظ قرآن کریم، با قرائات هفت‌گانه بوده‌اند. وی در سال ۱۰۵۷ در مدینه منوره در گذشته و در مقبره جدش حسن نقیب به خاک سپرده شده است. ۱۳۲

۸- محمد امین بن محمد شریف استرآبادی

او مدتی در مدینه منوره، مجاورت گزیده و در آن جا کتاب «الفوائد المدنیه» را نگاشته که از متون مهم اخباری‌گری است. وی سپس به مکه مکرمه رفت و تا پایان عمر در آن جا زندگی کرد و در سال ۱۰۳۶ وفات یافت. ۱۳۳

۹- محمد بن حسن شدقمی

او و پدر و برادران و خواهرش یک اجازه مشترک از شیخ حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهایی دارند. او مدتی در مدینه منوره می‌زیسته و حسینیّه بزرگی را که جنب مسجد قبا بوده را تعمیر نموده و سپس به مکه مکرمه مهاجرت کرده و در همان جا از دنیا رفته است. ۱۳۴

۱۰- محمد زمان بن اسماعیل حسینی

«خلاصة الأقوال» تألیف علامه حلی را نسخه برداری کرده و برای نوبت دوم در مدینه منوره با نسخه خود علامه مقابله کرده است. ۱۳۵

* * *

تألیف، ترجمه و استنساخ چهار کتاب در مدینه

وضعیت تولید کتاب شیعی در مکه مکرمه در قرن یازدهم هجری قمری، در مقایسه با مدینه منوره مناسب‌تر است. در جلد پنجم طبقات، که مربوط به سده یازدهم هجری است، چهار مورد کتاب مربوط به مدینه یافت شد، در حالی که کتاب‌های مربوط به مکه در همان قرن، به عدد سی می‌رسد.

۱- التنباک / حسام الدین ماچینی

این رساله درباره حکم دخانیات است و عبدالله سمنانی آن را در مدینه منوره، در سال ۱۰۲۰، به دستور علی بن حسن بن شدقم به عربی برگردانده است. ۱۳۶

۲- خلاصة الأقوال / علامة حلّی

محمد زمان حسینی بن اسماعیل در سال ۱۰۰۷ آن را استنساخ کرد و برای نوبت دوم، در مدینه منوره با نسخه مؤلف مقابله نمود. ۱۳۷

۳- الفوائد المدنیة / محمد امین استرآبادی

این کتاب که از متون مهم اخباری‌گری است، در دوران زندگی مؤلف در مدینه تألیف شده و پس از آن، وی به مکه رفته و تا پایان عمر در آنجا زیسته و در همانجا زندگی را بدرود گفته است.

۴- الاقتصاد فی شرح الإرشاد / عبدالنّبی جزایری

وی آن کتاب را به درخواست سید شمس‌الدین علی بن سید حسن شذقی در مدینه منوره نگاشته است. ۱۳۸

پی‌نوشت‌ها

۱. تکملة أمل الآمل، ص ۲۵۲
۲. طبقات، ج ۵، ص ۲
۳. طبقات، ج ۵، ص ۵۳۱
۴. طبقات، ج ۵، ص ۱۶، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱۴، ص ۶۴، شماره ۵۲۷۷
۵. الحاشیة علی اصول الکافی، از بدر الدین بن احمد حسینی عاملی (زنده در سال ۱۰۶۰) جمع و ترتیب: سید محمد تقی موسوی (۱۰۹۴) چاپ دار الحدیث، قم، ۱۴۲۵ هـ.
۶. طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷
۷. طبقات، ج ۵، ص ۲۵
۸. طبقات، ج ۵، صص ۲۶-۲۵
۹. طبقات، ج ۵، صص ۴۴۱-۴۴۰
۱۰. طبقات، ج ۵، ص ۳۷
۱۱. سلافة العصر، صص ۲۱۳-۲۰۴
۱۲. طبقات، ج ۵، ص ۲۳
۱۳. طبقات، ج ۵، ص ۵۰
۱۴. طبقات، ج ۵، ص ۱۱۰
۱۵. طبقات، ج ۵، ص ۱۳۰
۱۶. ریاض العلماء، ج ۱، صص ۲۴۳-۲۳۶، طبقات، ج ۴، صص ۵۴-۵۲، و نیز، ج ۵، ص ۱۴۴

- ۱۷ . الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۰، پاورقی.
- ۱۸ . طبقات، ج ۵، صص ۵۵۹ و ۵۹۴
- ۱۹ . طبقات، ج ۵، ص ۱۸۵
- ۲۰ . الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۱۲
- ۲۱ . طبقات، ج ۵، ص ۱۶۷
- ۲۲ . طبقات، ج ۵، ص ۱۷۴
- ۲۳ . طبقات، ج ۵، صص ۱۷۱ - ۱۷۰
- ۲۴ . طبقات، ج ۵، ص ۱۶۰
- ۲۵ . طبقات، ج ۵، ص ۱۷۸
- ۲۶ . طبقات، ج ۵، صص ۱۸۷ و ۶۲۳
- ۲۷ . طبقات، ج ۵، صص ۱۵۳ - ۱۵۴، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۱
- ۲۸ . طبقات، ج ۵، ص ۱۹۴
- ۲۹ . طبقات، ج ۵، صص ۲۰۰ - ۱۹۹
- ۳۰ . طبقات، ج ۵، ص ۲۴۸
- ۳۱ . طبقات، ج ۵، ص ۲۰۳
- ۳۲ . طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷
- ۳۳ . طبقات، ج ۵، ص ۲۰۷
- ۳۴ . طبقات، ج ۵، ص ۲۱۴
- ۳۵ . طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷
- ۳۶ . طبقات، ج ۵، ص ۲۳۶
- ۳۷ . الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳۱
- ۳۸ . اعیان الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۴ شماره ۷۰۲۰
- ۳۹ . طبقات، ج ۵، ص ۲۳۷، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹۸
- ۴۰ . طبقات، ج ۵، صص ۱۷۳ و ۱۸۰
- ۴۱ . طبقات، ج ۵، ص ۲۳۸؛ الذریعه، ج ۱، ص ۷۳
- ۴۲ . طبقات، ج ۵، ص ۲۶۸
- ۴۳ . طبقات، ج ۵، ص ۲۶۶
- ۴۴ . طبقات، ج ۵، ص ۲۷۱
- ۴۵ . طبقات، ج ۵، ص ۲۷۴
- ۴۶ . طبقات، ج ۵، صص ۳۲۰ - ۳۱۹
- ۴۷ . طبقات، ج ۵، ص ۳۳۱
- ۴۸ . طبقات، ج ۵، ص ۲
- ۴۹ . طبقات، ج ۵، ص ۳۵۰

- ٥٠ . طبقات، ج ٥، ص ٣٨٦؛ تكملة أمل الآمل، ص ٢٥٢؛ الفوائد الرضويه، ص ٣١٣
- ٥١ . طبقات، ج ٥، ص ٣٩٨
- ٥٢ . طبقات، ج ٥، ص ٤١٧
- ٥٣ . طبقات، ج ٥، ص ٤٢٣
- ٥٤ . طبقات، ج ٥، ص ٤٣١
- ٥٥ . طبقات، ج ٥، صص ٤٤١ - ٤٤٠
- ٥٦ . طبقات، ج ٥، صص ٢٦ - ٢٥
- ٥٧ . طبقات، ج ٥، ص ٤٦٠
- ٥٨ . طبقات، ج ٥، ص ٤٨٩
- ٥٩ . طبقات، ج ٥، ص ٥٦
- ٦٠ . الفوائد الرضويه، ص ٣٩٩
- ٦١ . طبقات، ج ٥، ص ٥٧
- ٦٢ . طبقات، ج ٥، ص ٥٩
- ٦٣ . طبقات، ج ٥، ص ٧٢
- ٦٤ . طبقات، ج ٥، صص ٧٤ و ١٨٧
- ٦٥ . طبقات، ج ٥، ص ٨٧
- ٦٦ . طبقات، ج ٥، ص ٩٩
- ٦٧ . الدر المنثور، ج ٢، ص ٢١٢
- ٦٨ . طبقات، ج ٥، صص ١٨٥ و ٢٣٦ و ٥٢٠؛ الذريعه، ج ٢، ص ٣٠، شماره ١٢٠؛ الفوائد الرضويه، صص ٤٦٧ - ٤٦٤
- ٦٩ . طبقات، ج ٥، ص ١٧٣
- ٧٠ . طبقات، ج ٥، ص ٥٢٩
- ٧١ . طبقات، ج ٥، ص ٩٦ و، ص ٢٤٨؛ الذريعه، ص ٧٠ شماره ٢٨٧
- ٧٢ . طبقات، ج ٥، ص ٥٢٢
- ٧٣ . طبقات، ج ٥، ص ٥٣١
- ٧٤ . طبقات، ج ٥، ص ٢٨٧
- ٧٥ . طبقات، ج ٥، ص ٥٠٤
- ٧٦ . طبقات، ج ٥، ص ٤٩٧
- ٧٧ . الفوائد الرضويه، ص ٥٥٤
- ٧٨ . طبقات، ج ٥، ص ٤٠٧؛ الذريعه، ج ٨، ص ٢٥٣ شماره ١٠٤٣
- ٧٩ . طبقات، ج ٥، ص ٣٧٦
- ٨٠ . طبقات، ج ٥، ص ٨٨ و ٤٠٤
- ٨١ . طبقات، ج ٥، ص ٥٢٢
- ٨٢ . سلافه العصر، صص ٣٤٧ - ٣٢٣

- ۸۳ . طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷
- ۸۴ . طبقات، ج ۵، ص ۲۷۴ و ۵۹۲؛ الفوائد الرضویه، ص ۵۹۹؛ الذریعه، ج ۱، ص ۹۴
- ۸۵ . طبقات، ج ۵، صص ۵۵۹، ۵۹۴ و ۶۱۴
- ۸۶ . طبقات، ج ۵، ص ۵۶۵
- ۸۷ . طبقات، ج ۵، ص ۴۱
- ۸۸ . طبقات، ج ۵، ص ۴۳۴
- ۸۹ . طبقات، ج ۵، ص ۲۳
- ۹۰ . طبقات، ج ۵، ص ۱۷۳
- ۹۱ . طبقات، ج ۵، ص ۱۸۰
- ۹۲ . طبقات، ج ۵، صص ۱۵۳، ۱۵۴ و ۶۲۳
- ۹۳ . طبقات، ج ۵، ص ۴۳۱؛ الذریعه، ج ۱، ص ۷۳ شماره ۳۶۰
- ۹۴ . طبقات، ج ۵، صص ۸۸- ۸۷ و ۴۰۴
- ۹۵ . طبقات، ج ۵، صص ۲۰۰- ۱۹۹؛ سلافة العصر، صص ۳۸۰- ۳۷۷
- ۹۶ . طبقات، ج ۵، ص ۲۴۸؛ الذریعه، ج ۴، ص ۷۰ شماره ۲۸۷
- ۹۷ . طبقات، ج ۵، ص ۱۷۱؛ الذریعه، ج ۴، ص ۱۹ شماره ۶۴
- ۹۸ . طبقات، ج ۵، صص ۹۶ و ۲۴۸
- ۹۹ . طبقات، ج ۵، ص ۲۶۷
- ۱۰۰ . طبقات، ج ۵، ص ۲
- ۱۰۱ . طبقات، ج ۵، ص ۴۱۷
- ۱۰۲ . طبقات، ج ۵، ص ۳۳۱
- ۱۰۳ . طبقات، ج ۵، ص ۵۰
- ۱۰۴ . طبقات، ج ۵، ص ۱۸۷
- ۱۰۵ . الذریعه، ج ۴، ص ۲۰ شماره ۶۴؛ طبقات، ج ۵، ص ۲۶۸
- ۱۰۶ . طبقات، ج ۵، ص ۲۰۳
- ۱۰۷ . طبقات، ج ۵، ص ۵۹
- ۱۰۸ . طبقات، ج ۵، ص ۴۰۷
- ۱۰۹ . طبقات، ج ۵، ص ۸۸
- ۱۱۰ . طبقات، ج ۵، ص ۱۷۴
- ۱۱۱ . طبقات، ج ۵، ص ۲۷۱
- ۱۱۲ . طبقات، ج ۵، صص ۳۸۷- ۳۸۶
- ۱۱۳ . طبقات، ج ۵، ص ۴۶۰
- ۱۱۴ . طبقات، ج ۵، ص ۳۵۰
- ۱۱۵ . الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۹۰ شماره ۲۰۹۱؛ طبقات، ج ۵، ص ۲۶۶

- ١١٦ . طبقات، ج٥، صص ١٦٠ و ١٧٨
- ١١٧ . طبقات، ج٥، ص ٥٦؛ الذريعة، ج١٦، ص ٣٥٩ شماره ١٦٦٧
- ١١٨ . طبقات، ج٥، ص ١٣٠
- ١١٩ . طبقات، ج٥، ص ٩٩
- ١٢٠ . طبقات، ج٥، ص ٢٣٨
- ١٢١ . طبقات، ج٥، ص ١٦
- ١٢٢ . طبقات، ج٥، ص ٤٢٣
- ١٢٣ . طبقات، ج٥، صص ١٧٠ و ٥٢٢
- ١٢٤ . طبقات، ج٥، ص ٤٤١
- ١٢٥ . طبقات، ج٥، ص ٣٧
- ١٢٦ . طبقات، ج٥، ص ١٧٠
- ١٢٧ . طبقات، ج٥، ص ٢٥٠
- ١٢٨ . طبقات، ج٥، ص ٢٦٧
- ١٢٩ . طبقات، ج٥، ص ٣٤٩
- ١٣٠ . طبقات، ج٥، ص ٣٥٨؛ الذريعة، ج٢، ص ٢٦٨
- ١٣١ . طبقات، ج٥، صص ٤١٨ - ٤١٧
- ١٣٢ . طبقات، ج٥، ص ٤٩١
- ١٣٣ . طبقات، ج٥، ص ٥٦
- ١٣٤ . طبقات، ج٥، ص ٥٢٣
- ١٣٥ . طبقات، ج٥، ص ٢٣٢
- ١٣٦ . طبقات، ج٥، ص ٣٤٩
- ١٣٧ . طبقات، ج٥، ص ٢٣٢
- ١٣٨ . الذريعة، ج٢، ص ٢٦٨، طبقات، ج٥، ص ٣٥٨